

یکی از مهمترین مسائلی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی قابل بررسی بوده و در حقیقت با زندگی مردم رابطه جدا نشدنی دارد رسیدگی به مسائل کشاورزی است که این خود از نظر فعالیت های اقتصادی کل جامعه غالب فعالیت ها را در بر داشته و جمعیت بزرگی را بخود مشغول کرده است. تجزیه و تحلیل اوضاع نابسامانیهای فعالیت های زراعی و دامی ایران را می توان از زوایای مختلف انجام داد و به نتیجه گیری های مربوطه نیز رسید اما آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد بخشی است که غیرمستقل از چهارچوب بخش کلاسیک نیست، و در حقیقت ماهیتی است که کاملاً با مفهوم انقلاب رابطه جدا نشدنی دارد. دلیل این امر نیز در رابطه بین کشته شدن کشاورزی ایران در رژیم گذشته و نفوذ سیستم سرمایه داری غربی است. یکی از مهمترین از مغایرهای انقلاب اسلامی اینست که امروز دیگر نمی توان به همان تعاریف علمی پیرامون مسائل کشاورزی دل خوش کرد و

چون آکادمی فرهنگی علوم مکاتب غرب و شرق معضلات و نابسامانیهای کشاورزی را زیر عمل جراحی قرار داد از ویژگیهای انقلاب ما درست بها دادن باین موضوع است که چگونه بعد انسانی اهمیت دارد. این از خصوصیات مکتب اسلام است که در عین اینکه در چهارچوب خاصی (سیستم اقتصاد اسلامی) فعالیت های کشاورزی و صنعتی را تنظیم می کند، از طرف دیگر نتایج حاصله از فعالیت های اقتصادی (بخش کشاورزی و صنایع) را چون وسیله ای در خدمت تامین نیازهای مادی انسان می داند تا انرژی و توان لازم جهت حرکت تکاملی و پیوستن به الله را در خود ایجاد نماید. ما باید که در توسعه و اصلاح کشاورزی نقشی برای انسان و ابعاد معنوی آن در نظر گرفته شود، استثمار و بهره کشی در کل نظام بهره برداری از منابع طبیعی و سایر عوامل طبیعی چه در بخش کشاورزی و چه در غیر کشاورزی بطور حتم حاکم خواهد بود و نه تنها چون غرب، اقلیتی بر اکثریت حاکمیت

### از کمیته کشاورزی جهاد دانشگاهی

## نقش انقلابی جهاد سازندگی در توسعه کشاورزی

**\* برای جهاد سازندگی، در قبال فعالیتهای کشاورزی مسئولیتهای برجسته ای وجود دارد که از ایدئولوژی اسلامی پیروی می نمایند.**

**انقلاب اسلامی از آن جهت برای سلسله گران گران تمام می شود که با خلق و ایجاد راه برای تفکر اسلام راستین، راه برای تولید، استثمار و یغمای منابع طبیعی را بر اجنبی سد می کند.**

اقتصادی خواهند داشت، بلکه چون شرق نیز استثمار انسان از انسان (دولت از توده) بطور یقین برقرار خواهد بود.

نقش انقلاب اسلامی اینست که همه علوم (مثبت) را برای انسان می خواهد و انسان را نیز در رابطه مستقیم با الله قرار می دهد برای همین امر، علوم کشاورزی و سایر علوم تجریمی چنانچه تحت سلطه ایدئولوژی و مکتب قرار نگیرند و مقصدشان با ایمان بررسی نشود، بدون شک خسران و خیر و فساد و استثمار و بهره کشی بارمغان خواهند آورد.

نگاهی کوتاه به اوضاع کشاورزی ایران قبل از انقلاب (برای توضیح بیشتر رجوع بشود به نشریه شماره ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ مجله دانشگاه انقلاب) ثابت خواهد کرد که علیرغم موجودیت عالیترین تئوری علمی و عملکرد آن چنانچه در فعالیت های اقتصادی، (بخش کشاورزی و غیرکشاورزی)، ایدئولوژی و نهایتاً سیستم و مکتب اسلام بصورت راستین کاربرد نداشته باشد، بدون شک در بدست گرفتن عنان منابع طبیعی و صنعتی و نحوه بهره برداری آنها و در توزیع ثروت های کسب شده انحراف برجسته ای بوجود خواهد آمد. بنابراین دیگر جایگاهی برای استقرار و رفاه و عدالت و قسط

اجتماعی وجود نخواهد داشت. اینکه ایدئولوژی اسلامی و سیستم اقتصاد اسلامی کاملترین مکتب در جهان امروزی است، برای اینست که در سیستم سرمایه داری غربی، ایدئولوژی آنها بدان علت نقص دارد که همه معیارها با پول سنجیده شده و انسان نقشی از نظر معنوی نداشته و نهایتاً تا از این رهگذر گروهی خاص و اندک نیز می توانند حداکثر ثروت جامعه را بخود اختصاص دهند و تولید توزیع و مصرف را تحت اراده خود بر دیگران تحمیل کنند و سود و منافع استثمار ظالمانه را افزایش دهند. در ایدئولوژی سوسیالیسم و کمونیسم نیز بجای بخش خصوصی نظام سرمایه داری دولت مرکزی با فرماندهی مرکزی قرار دارد و همه ثروت های جامعه را از آن خود قرار میدهد و همه مردم مزدبگیر دولت بوده، و هیچ گونه کنترلی در مدیریت بهره برداری از اموال و منابع دولت نیست. بنابراین علت اصولی وجود استثمار و رفتار ظالمانه در ایدئولوژیهای شرقی و غربی، نبودن یک تعریف جامع برای انسانیت و ابعاد معنوی آن می باشد. این معنی کامل را درست می توان در مکتب اسلام ملاحظه کرد که چگونه یکمرتبه هم دولت از مالکیت مطلق بر ثروت جامعه ساقط شده و هم انسان، یکمرتبه خدا مالک

انقلابی در فعالیت های اقتصادی (کشاورزی و غیرکشاورزی) این است که مدیریت و نحوه بهره برداری آنها از منابع طبیعی و نیروی انسانی در تنظیم سیستم طوری است که مجموعه این رفتارها در فعالیت های کشاورزی و غیرکشاورزی بعنوان ابزار و وسیله ای (مادی و معنوی) در اختیار حرکت و تدلوم انقلاب قرار دارد.

هنگامیکه بخشی از توسعه کشاورزی و در نتیجه افزایش سطح تولیدات و نهایتا خودکفائی توسعه صادرات و محصولات و فرآورده های کشاورزی و صنایع تبدیلی به میان می آید و مسائلی از قبیل رفاه اجتماعی، قسط و عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت در رابطه با آن در نظر گرفته شود، مسلما مسئولیت منجسی جهادسازندگی در تعیین کاربرد سیستم اسلامی (اقتصاد، سیاست، اخلاق و...) و چگونگی تنظیم آنها بطور برجسته قابل بررسی است.



**\* علوم کشاورزی و سایر علوم تجربی، اگر چنانچه تحت تسلط ایدئولوژی و مکتب قرار نگرفته و مقصدشان با ایمان بررسی نشود، بدون شک خسران، فساد، استثمار را به ارمغان خواهند آورد**

## ران و سیستم اقتصاد اسلامی

اصولی همه ثروتهاست و تنها انسان مالک ماحصل کار خویش می باشد.

ما در این مقاله قصد بررسی و مقایسه مکاتب اقتصادی ایدئولوژیهای موجود در دنیا را نداریم، اما باید باین نکته توجه کنیم که اگر در بررسی مسائل اقتصادی (کشاورزی و غیرکشاورزی) بعد انسان را مورد توجه قرار ندهیم، باید منتظر لحظه ای باشیم که یکی از مکاتب های اقتصادی شرق و یا غرب بر جامع ملل مسلمین سلطه و حاکمیت داشته باشند. دوران حکومت رژیم قبلی، ست نقطه عطفی است باینکه چگونه بامسوخ و ولرونه جلوه دادن ایدئولوژی اصیل و راستین اسلامی، توانستند نظام سرمایه داری غربی (نفتی) را در صحنه زندگی جامعه ایران پیاده کنند و هنگامیکه یک نظام اقتصادی بیگانه بخواند در جوامع زیر سلطه حاکمیت داشته باشد مسلما اقتصاد آن جوامع، جز نقش مصرفی، وظیفه دیگری را در بر نخواهد داشت. بنابراین گشته شدن بخش کشاورزی ایران قبل از انقلاب و استقرار صنایع مونتاژ بجای صنایع مادر و عدم ارتباط صحیح این دو بخش لازمه بقای نظام سرمایه داری غربی و تکاثر ثروت آنها می باشد.

بیروزی انقلاب اسلامی از آن جهت برای سلطه

گران تمام می شود که باخلق و ایجاد در پیاده حیات دادن به طرز تفکر ایدئولوژی اسلام راستین، راه هر گونه استثمار و بهره کنسی و یغمالی منابع طبیعی را بر اجنبی سدی می کند. چون معیار ارزشها انسان است. و در هر جا ارزش معنوی انسان خداگونه مطرح باشد، دیگر نه جاتی برای تئوریهای تولید، توزیع و مصرف مکاتب شرق و غرب باقی خواهند ماند (در رد میزان کاربرد علمی آنها) و نه اینکه از طریق رهگنر امور اقتصادی، سلطه سیاسی خواهند داشت.

### نقش جهادسازندگی

همانطوریکه توضیح خواهیم داد، نقش جهاد سازندگی در فعالیت های کشاورزی (بخش کشاورزی و صنایع تبدیلی) اعتلاء بخشیدن و حیات دادن و معنی دادن به بعد معنوی انسان در روند فعالیت های اقتصادی است. این نهاد برخاسته از متن انقلاب، در واقع زبان گویای انقلاب اسلامی است و یکی از وسائل و ابزار انقلاب اسلامی است که سدی برای نفوذ سیستم های اقتصادی شرق و غرب است.

منظور از ابزار و وسیله بودن رفتار این نهاد

چگونه می توان باور کرد که توسعه و اصلاح کشاورزی که افزایش سطح تولیدات (در واحسطح و میزان زیر کشت) و توزیع و در نتیجه مصرف آن در سطح روستاها و شهرها با مفهوم انسان و اهداف نهایی آن (پیوستن به الله) رابطه جدانشدنی داشته باشد؟ شما اگر به تعریف کشاورزی توجه نمایند باین حقیقت پی خواهید برد که چگونه فعالیت های کشاورزی به سیستم اقتصاد اسلامی و در نتیجه به مکتب و ایدئولوژی اسلامی بستگی نام دارد.

در تعریف کشاورزی می آید که:

- کشاورزی یک نوع تولید مخصوص است (زراعت و دامداری) که در آن رشد گیاهان (بطور کلی) و حیوانات (جهت تغذیه و خدمات جانبی) مورد نظر بوده و چنین فعالیت هائی روی مزارع صورت میگیرد، طوریکه این فعالیت در مزارع

بقیه در صفحه ۶۱

## ستاد بسیج اقتصادی...

توطئه های دیگری را شروع میکند که هنوز هم ادامه دارد و این تا زمانی است که ابر قدرتها و قدرتهای استعماری از سرکوبی و نابودی انقلاب ما نا امید بشوند و بفهمند که انقلاب ما پایدار است، پس از آن سرکیسه را شل میکنند و به ما نزدیک میشوند. در این مرحله است که می بایست هوشیار بوده تا در دام اینها نیفتیم تا دوباره به یک جامعه مصرفی تبدیل نشویم من مطمئن هستم بعد از خاتمه جنگ حتما با حرکت های مثبتی از سوی کشورهای جهان به لحاظ اقتصادی نسبت به جمهوری اسلامی روبرو خواهیم شد. و می بایست با هوشیاری نسبت به این روابط برخورد کنیم تا در صورتیکه به نفع جمهوری اسلامی است این روابط گسترش یابند همینطور که الان مشغول هستیم.

س: آینده اقتصاد ایران را چگونه میبینید؟

من تصویر آینده اقتصادی جمهوری اسلامی را بسیار روشن میبینم. اولاً جامعه اسلامی آینده را یک جامعه قطب بندی شده نمی بینم جامعه دو قطبی که یک طرف فقر مطلق و در طرف دیگر غنای مطلق در یک طرف کاخ و در سوی دیگر کوخ. چرا که امام بارها این مسئله را مطرح کرده اند و بارها به کاخ نشینی حمله کرده اند و بارها مستضعفین را ولی نعمت خوانده اند. و بارها در این زمینه به مسئولین

مملکتی رهنمود داده اند. بنابر این خط اقتصادی جمهوری اسلامی در جهت پیاده کردن اقتصاد اسلامی، موازین شرعی اقتصاد اسلام بر جهت حمایت از مستضعفین است که آیندو با هم هیچ نوع تعارضی ندارد.

همانطوریکه گفتیم جامعه آینده اسلامی یک جامعه دو قطبی نیست که در آن فقر زیاد و غنای زیاد وجود داشته باشد. البته به یک جامعه قالبی بی طبقه مارکسیستی که البته خود مدعیان آن هم دروغ می گویند و در عمل به آن نرسیده اند و طبقات جدیدی را جایگزین طبقات سرمایه داری سابق کرده اند نیز اعتقاد نداریم. ما معتقدیم استعدادهای متفاوت انسانها در رشد آنها می تواند موثر باشد ولی این به آن مفهوم نیست که گودالهای نفوذ ناپذیری بیش اقشار مختلف مردم وجود داشته باشد.

از بعد فلسفی برنامه ریزیهای دولت کلا در جهتی است که تا حد امکان عدالت اجتماعی با معیارهای اسلامی در جامعه پیاده شود. و از بعد اقتصادی، ما به سوی اقتصاد مستقل و انشأاً... خودکفا پیش خواهیم رفت. تا کتون بعلت توطئه های سیاسی و نظامی که بر علیه جمهوری اسلامی صورت گرفته است در طرف این سه سال فرصت برنامه ریزی که نداشته ایم و این از مهمترین مشکلات ماست. از اواخر دولت شهید رجائی این

برنامه ریزی در شکل ابتدائیش شروع شد و بعدها در زمان دولت حضرت آیه ا... مهدوی شکل واقعی کامل خودش را گرفت و از آن حالت مقدماتی درآمد و انشأاً... امسال با تلاشی که دولت، شورای اقتصاد و برادران مسئول در سازمان برنامه و وزارتخانه های ذیربط می کنند امیدواریم برنامه های اقتصادی جمهوری اسلامی بطور کامل تدوین شود. و انشأاً... از امسال اقتصاد ما یک اقتصاد برنامه ریزی باشد. براساس این برنامه ها ما تا ده سال دیگر باید از نظر تمام محصولات کشاورزی مورد نیاز مردم یعنی کالاهای اساسی خودکفا شویم و در این زمینه برنامه ریزی هم وارد میشود. و تصمیم بر این است که از نظر صنایع تا ده سال دیگر به مرحله ای برسیم که صادراتمان مبتنی بر کالاهای ساخته شده داخلی باشد. و در ده سال اول طبیعتاً اتکاء ما به درآمد نفت خواهد بود زیرا تولیدمان در سطح بسیار پائینی است و در عین حال به هیچ عنوان نیابستی نفت را به عنوان تنها منبع درآمد تلقی کنیم ولی تا رسیدن اقتصادمان به آن حد از رشد مجبوریم که از نفت استفاده بیشتری بکنیم از ۵ سال بعد صادرات نفت ثابت می ماند و در ده سال آینده میزان صدور نفت آنقدر پایین می آید که انشأاً... در آخر برنامه ۲۰ ساله ۱۰ یا ۱۵ درصد از صادرات ما را نفت تشکیل میدهد.

## نقش انقلابی جهاد.....

مختلف با بازدهی تولیدی خاص و هزینه تولید خاصی صورت گرفته و آنها را می توان مورد مقایسه قرار داد.

در این تعریف:

۱ - بعلت اینکه رشد گیاهان و حیوانات مورد نظر است، پس «تولید» معنی و مفهوم پیدا میکند چون در تولید محصولات مختلف کشاورزی جریانات تولیدی مختلف و نحوه جانشینی این محصولات در برنامه های تناوبی کشت و مسائلی از قبیل عرضه و تقاضا و مکانیسم بازار و در آمد و توزیع درآمد و سیستم مالیات و غیره مورد نظر است، بنابراین حاکمیت سیستم اقتصاد اسلامی در برنامه های تولید اجتناب ناپذیر است.

۲ - چون روی مزارع زارعین و دامداران (بعنوان اجرا کنندگان فعالیت های تولیدی) مشغولند، بنابراین در سطح کل جامعه، واحدهای کشاورزی (روستاها) و سایر مناطق بزرگ تولیدی، بدون وجود آنها تولیدی صورت نخواهد گرفت و برای افزایش میزان انگیزش جهت تولید بیشتر و مناسب تر غیر از وسایل مادی و مالی، به بعد معنوی آنها باید توجه بیشتری نمود. سپس اهمیت ایدئولوژی و تاثیر دین در فعالیت ها بسیار مهم

جهاد

مقصد دارد، جهت دارد و نهایتاً در راستای تکامل معنوی انسان باشد و در جهت «الله» باشد، آن علم سازنده و مطلوب بوده و در جامعه بر حسب نیاز مشروع خریدار خواهد داشت. ایدئولوژی اسلامی درست این مرز را روشن می کند.

برای جهادسازندگی که یک نهاد انقلابی برخاسته از متن و صحنه انقلاب اسلامی است در قبال فعالیتهای کشاورزی (علمی، آموزشی، تحقیقاتی و اجرایی) مسئولیتهای برجسته ای وجود دارد که از ایدئولوژی اسلامی ناشی می شود. انشاءالله در مقالات بعدی نشان خواهیم داد که هنگامیکه توسعه کشاورزی و در نتیجه افزایش سطح تولیدات محصولات مختلف و نهایتاً کفاتی و رونق مورد نظر باشد و سیاستهای کشاورزی خاصی در بالا بردن میزان رفاه زارعین و دهقانان دنبال گردد توضیح خواهیم داد که به سبب ظهور و وجود سیستم اقتصاد اسلامی و نهایتاً اهمیت ایدئولوژی اسلامی، جهادسازندگی، این نهاد انقلابی که در توسعه و اصلاح وضع کشاورزی روستاهای دورافتاده و سایر مناطق تولیدی حتی جان خود را نثار انقلاب می کنند، چگونه باید در مسائل کشاورزی و صنایع تبدیلی (وارتباط بین کشاورزی و صنعت) اقدام کنند تا ضمن اینکه اهداف مادی بدست می آید (افزایش تولیدات، درآمدها و غیره)، در حقیقت همهانگ با سیستم اقتصاد اسلامی نیز باشد. بواسلامه